

جنبش سرنگونی پیشروی میکند

گفتگو با اصغر کریمی درباره اوضاع سیاسی ایران



و بر جنبش اعتراضی خواهد دمید. راست میدانند که این عقب نشینی بهای زیادی خواهد داشت. میدانند که نیروئی که از این عقب نشینی برای پیشروی استفاده میکند نه غرب که جنبش سرنگونی طلبی است. جمهوری اسلامی

صفحه ۲

از معضلات استراتژیک خود را تخفیف دهد. از طرف دیگر در مقابل جناح راست دست بالا را پیدا کند و بر بخشی از شکستهای خود در برابر جناح رقیب فائق آید. جناح راست اما میدانند که عقب نشینی در برابر آمریکا، قبل از هرچیز راه را بر پیشروی مردمی که در کمین حکومت نشسته اند هموار خواهد کرد

اصغر کریمی: پس از ۱۱ سپتامبر جمهوری اسلامی در تناقض شکننده ای قرار گرفته است و بنظر نمیرسد راه برون رفتی داشته باشد. دو خرداد در ادامه سیاست چندسال گذشته خود تلاش کرد که با غرب همسوئی نشان دهد، فشار غرب را خنثی کند، موقعیت خود را در این زمینه بهبود دهد و از اینطریق بخشی

هفتگی: ناآرامیهای توده ای در یکماه اخیر و بالاگرفتن اختلاف جناحهای رژیم بر متن بحث رابطه با آمریکا دو مولفه مهم در اوضاع سیاسی ایران است. نظر شما درباره وضعیت اخیر در ایران چیست و روند اوضاع سیاسی را با توجه به تاثیرات ۱۱ سپتامبر در ایران چگونه ارزیابی میکنید؟

بستن مرزها به روی مردم جنایت است

گفتگو با مریم نمازی، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی درباره کمپین فدراسیون در دفاع از آوارگان افغانی



همجوار با کمک ارتش و سیم خادار و گلوله سعی می کنند مانع ورود دهها هزار از این مردم شوند. تازگی دولت پاکستان به پناهنجویانی که خواهان پناهگاهی بوده اند شلیک کرده و منجر به کشته

صفحه ۴

پناهنجویان افغانی یکی از بیشترین پناهندگان دنیا بوده اند. بعد از جنایت ۱۱ سپتامبر، تشدید جنگ تروریستها و بمباران افغانستان فاز جدیدی از فرار این مردم محروم و ستم دیده شروع شده است. این اما در حالی است که باند جنایتکار طالبان سعی می کند با زور جلوی فرار آنان را بگیرد و تمام کشورهای

حقوقی، آپارتاید جنسی، فقر و قحطی فراری بوده اند. سه و نیم میلیون آنها در کشورهای مختلف، در کمپهای پناهندگی، در بازداشتگاهها و در بدترین شرایط بسر برده اند. تعداد بیشمار آنان در دریاها غرق شده اند، در مرزها کشته شده اند و در کشورهایی مانند ایران شکار و با زور اخراج شده اند. قبل از ۱۱ سپتامبر هم

هفتگی: فدراسیون یک کمپین سراسری علیه بی حقوقی آوارگان و پناهنجویان افغانی سازمان داده است. لطفا هدف این کمپین و مطالبات آنرا توضیح دهید؟
مریم نمازی: حدود دو دهه است که پناهنجویان و آوارگان افغانی بخاطر جنگهای داخلی، طالبان و گروههای ارتجاعی اسلامی، بی

جمهوری اسلامی بین زمین و آسمان!



مصطفی صابر

خامنه ای در اصفهان، سه شنبه این هفته، بر سه معضل جدی، عاجل و دردم تنیده جمهوری اسلامی انگشت گذارد: سیاست خارجی (نحوه برخورد با وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر، اوضاع افغانستان و رابطه با آمریکا)، اوضاع داخلی (شورشهای خیابانی هفته های اخیر و گسترش اعتراضات تهدید کننده مردم) و اختلافات حاد درونی (که بر سر مسائل فوق تشدید شده است). پاسخ های خامنه

صفحه ۳

میلیتاریسم انسان دوست! طنزی نوین از نظم نوین جهانی



محسن ابراهیمی

تزویر و نادرستی، کوتاهترین راه نیل به پیروزی است. ماکیاوول

آمریکا بود. لابد، جرج بوش تصور میکرد که برای درافتادن با بخشی از ارتجاع اسلامی، باید به ارتجاع مسیحی متوسل شد. اتفاقات بعدی نشان داد که این یک ساده لوحی سیاسی عجلولانه بود. مردم آمریکا

صفحه ۳

"جنگ صلیبی"، اولین عبارتی بود که جرج دبلیو بوش برای اعلام "جنگ جدید آمریکا" انتخاب کرد. این واکنش طبیعی رئیس جمهوری از صف راست مذهبی در آمریکا بود که یک پای پیروزی، حمایت جریانات مذهبی ارتجاعی مثل "اکثریت اخلاقی" در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

جنبش سرنگونی ...

در طول ۲۳ سال با شعار مرگ بر آمریکا صاحب هویتی شده است و کنار گذاشتن آن عدول از این هویت است، خیلی ها را به اتهام همکاری با "شیطان بزرگ" به زندان انداخته اند و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب یک ابزار مهم حکومت اسلامی در برابر موج اعتراضات جوانان و زنان بوده است. کنار گذاشتن این ابزار به معنی دعوت این نسل به یک شورش تمام عیار است. تهاجم فرهنگی غرب، مبارزه با شیطان بزرگ، ادامه راه امام، اینها آن ماتریال سیاسی-ایدئولوژیکی- فرهنگی و روانی است که حزب الله و نیروی بسیج و پاسدار را حول آن تربیت کرده اند. و صرفنظر از اینکه این نیرو امروز چقدر به اینها اعتقاد دارد اما بهررو اینها بخش مهمی از ایدئولوژی رسمی حکومت و مشخصا جناح راست حکومت است و کوتاه آمدن در برابر آن زیر پای آنها را خالی خواهد کرد. علاوه بر عوامل داخلی، حفظ پایگاه منطقه ای جمهوری اسلامی، از حزب الله لبنان تا جهاد و حماس را هم باید به این فاکتورها اضافه کرد. جمهوری اسلامی چگونه میتواند از همه اینها چشم پوشی کند و عقب بنشیند. راست میدانند که همسویی با آمریکا به معنی تیشه زدن به ریشه خود و کل حکومت است. میدانند که با این عقب نشینی، مردم مترصد سرنگونی، از روی جنازه اش رد خواهند شد. اما، مساله این است که این سیاست هم کمی به رژیم اسلامی نمیکند. وقایع پس از ۱۱ سپتامبر، جنبش اسلام سیاسی را کاملا زیر منگنه قرار داده و جنبش سرنگونی طلبی را به وسط صحنه آورده است. در توان جمهوری اسلامی نیست که این روند را متوقف کند. فاکتورهای به مراتب عظیم تری صحنه سیاسی امروز داخل ایران را میسازند که غلبه بر آنها توسط یک حکومت در هم شکسته عملی نیست. نه سیاست دو خرداد و نه سیاست جناح راست

هیچکدام موجب حل بحران حکومت نخواهد شد. مشکل حکومت نیروی سوم است و این مشکل هر دو جناح است.

برآمد مبارزه کارگران و جوانان و مردم سرنگونی طلب در یکماه اخیر نیز دقیقا به همین شرایط بعد از ۱۱ سپتامبر مربوط است. اخبار این مبارزه بطور نسبتا وسیع در خبرگزاریها و رسانه های بین المللی منعکس شد. مقاله وال استریت ژورنال که انقلاب در ایران را پاسخ به اسلام سیاسی معرفی کرده است و خواهان تغییر در سیاست خارجی آمریکا است و موضعگیری دفتر مطالعات استراتژیک اروپای واحد که کمپانی های بزرگ را از سرمایه گذاری در ایران منع میکند خصلت نما است. این مبارزه از طرف دیگر به تعمیق شکافها و تشنجات دو جناح حکومت منجر شده است. حرام اعلام کردن مشاغل مقامات دولتی که با سیاستهای رهبر کنار نمیایند و ساز رابطه یا مذاکره با آمریکا را میزنند، توسط خامنه ای، نشاندهنده حدت بحرانی است که دامن حکومت را گرفته است. تهدید اینچنینی جناح راست به تسویه حسابهای بیشتر از مقامات دولت خاتمی و نمایندگان دوحرداری مجلس، زدن به سیم آخر است. در چنین فضائی مردم باز هم موقعیت را برای پیشروی مناسبتر می یابند و جلوتر میایند.

هفتگی: پس از تلاشهای عبث

رژیم برای جلوگیری از گسترش ناآرامیها و اعتراضات جوانان اکنون شروع به برچیدن آنتن های ماهواره ای کرده اند و خامنه ای هم در سخنرانی اش در اصفهان تهدید به سرکوب کرده است. ارزیابی شما از وضعیت جنبش سرنگونی و اعتراضات جوانان برخورد سران حکومت اسلامی به آنها چیست؟

اصغر کریمی: مردم در میانه راه برچیدن آنتن ها آنها را افسار زدند و مجبور کردند تبصره های محدود کننده برای حمله به منازل مردم بگذارند و در حالیکه بخشی از حکومت مشغول برچیدن آنتنهای ماهواره ای بود بخش دیگر آن علنا اعلام میکرد که این سیاست کارساز نیست. یکی از روزنامه های دو خردادی در

اوج جمع آوری آنتن های بشقابی، در کاریکاتوری از رئیس صدا و سیما برنامه های آنرا مورد تمسخر قرار داده بود. خامنه ای در سخنرانی اش هم مردم را تهدید کرد هم جناح مقابل را. تهدید مردم اما قبل از هرچیز درماندگی اش را عیان میکرد. تهدید و ارباب، سیاست بدون انقطاع حکومت اسلامی بوده است اما تفاوت این بار این بود که میگفت هنوز به حزب الله دستور سرکوب نداده است! معلوم نیست ایشان منتظر چه بوده اند! بنظر میرسد تهدید جناح مقابل جدی تر و عملی تر باشد!

مبارزات چند هفته اخیر بیش از هر زمان دیگری همه گیر است و به همین دلیل سرکوبش آنها با تشمت آشکار در صفوف رژیم چندان ساده نخواهد بود. این مبارزات به تهران محدود نیست، تقریبا همه شهرهای بزرگ و کوچک را در بر گرفته است. یک مبارزه وسیع و سراسری است و این یکی از مهمترین مشخصات آن است.

بعلاوه این مبارزه محدود به بخش خاصی از جامعه نیست، مربوط به نسلی است که اکثریت جامعه را تشکیل میدهد. نسلی که شکست نخورده است، برعکس تایحال حکومت اسلامی را از بسیاری چیزها ناکام کرده است. این مبارزه میلیونها نفر را در بر میگیرد و تا همینجا حکومت اسلامی را به عقب نشینی هائی مجبور کرده است. دختر و پسر در خیابانها میرقصند و نیروهای انتظامی نقل و نبات به آنها تعارف میکنند! یک دلیل برخورد احتیاط آمیز نیروهای سرکوب و اعلام اینکه اگر صرفا شادی باشد دخالت نمیکند، وضعیت خود نیروهای سرکوب است. نیروهای انتظامی قدرت سرکوب گسترده و کنترل اوضاع را ندارند و در صورتی که رژیم اسلامی تصمیم به سرکوب گسترده و خونین بگیرد امکان تشمت در خود نیروی سرکوب بسیار بالا خواهد بود. لازمه سرکوب خونین و همه جانبه یک نیروی چند میلیونی قبل از هرچیز یک دست کردن خود حکومت است. تهدیدهای خامنه ای به تسویه جناح مقابل از همین نیاز سرچشمه میگیرد

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه توستری

جنبش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۲۰۰۲ برگزار میکند.

جنبش برابری طلبی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد. سخنرانان:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرودی، اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا
علاقتمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر با ما تماس بگیرند.

تلفن: ۵۰۱۷ ۵۲۳ ۷۷۶ ۴۴+

فکس: ۸۵ ۸۳ ۱۳۵ ۸۷۰ ۴۴+

تلفن-فکس: ۸۹۷۱ ۳۱۴ (۹۱۶) آمریکا

ای میل: azarmajedi@yahoo.com

تاریخ معاصر خود یک اقدام تاریخی عظیم خواهد بود و تاثیر بلاواسطه آن افول و در هم شکستن دولتها و جریانات اسلام سیاسی در منطقه خواهد بود. اما اگر رفتن حکومت اسلامی، به روی کار آمدن حکومتی منجر شود که مبشر بیشترین درجه از آزادی و رفاه و عدالت باشد، مبشر کوتاه کردن فوری دست مذهب از سر مردم و لغو همه قوانین آپارتاید جنسی علیه زنان و مبشر لغو کار مزدی و مناسبات اسارت بار سرمایه داری باشد، آنگاه جامعه ایران میتواند الگوی یک جامعه انسانی در سراسر جهان قرار گیرد. آنگاه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران مهر خود را بر قرنی که در

پیش داریم و بر سراسر این جهان خواهند کوبید. شکوه و عظمت تحولات سیاسی در ایران میتواند در اینجا باشد. لازمه ساختن چنین تاریخی گردآمدن توده های وسیع مردم حول پرچم حزب کمونیست کارگری و اهداف سوسیالیستی و انسانی این حزب است. ■

اما یک تسویه گسترده که بتواند حکومت را یکدست کند، مطلقا در شرایط کنونی در توان جناح راست نیست.

جامعه ایران بشدت سیاسی و پخته است. مردم تقابل غرب و اسلام سیاسی و رفتن حکومت اسلامی طالبان در آنطرف مرز و تشمت درون حکومت اسلامی در اینطرف مرز را مبینند و در چنین شرایطی طبیعی است که از این وضعیت برای تشدید مبارزه علیه حکومت اسلامی استفاده کنند. دیگر طرفداران دو آتشه حکومت اسلامی در طیف توده اکثریت هم آمیدی به ماندگاری حکومت اسلامی ندارند.

هفتگی: فراخوان حزب به مردم چیست؟

اصغر کریمی: تحولات سیاسی بسیار مهمی در ایران در جریان است و بتدریج توجه جهانیان به جامعه ایران دوخته خواهد شد. حکومت اسلامی ایران رفتنی است و این پیش شرط آزادی مردم و هر تغییر و تحول مهمی به نفع مردم است. نفس سرنگونی یکی از جنایتکارترین حکومتهای

اصغر کریمی رئیس دفتر سیاسی 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:

0046-739 855 837

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465

بهروز مدرسی-دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

میلیتاریسم انساندوست!

هیچ علاقه ای نشان ندادند که در مقابل ارتجاع اسلامی، داغ ننگ ارتجاع مسیحی پیشانیان کوبیده شود. و البته، این واکنش سران دولت آمریکا، آنچنان بی زمینه و بیربط بود که با اولین واکنش مفتیان اعظم و آیت الله های عظمی و شیوخ و خلفا و سران دول اسلامی، یعنی همان "جهان اسلام" پس گرفته شد.

"عدالت نهایی" اولین اسم رمز عملیاتی بود که بر روی تهاجم نظامی آمریکا بر افغانستان گذاشته شد. باز هم داد جهان اسلام در آمد که این دخالت آشکار در کار خداست. این نشست بر تخت تنها قاضی القضاة جهان است. این ورود نامجاز به قلمرو خدا، تنها صاحب عدالت نهایی است. دو کمپ ارتجاع مذهبی و سیاسی زبان همدیگر را خوب میفهمیدند. این هم سریعاً پس گرفته شد و اسم رمزی زمینی انتخاب شد:

"عملیات آزادی پایدار". کمپینی که قرار بود در زمین رخ دهد نام زمینی گرفت. اما همین هم به همان اندازه عبارات آسمانی، نامی دروغین بود.

عدالت نهایی؟ آزادی پایدار؟ این اولین بار نیست که جهان سرمایه داری، از برج "عدالت و آزادی"، اختناق و بی عدالتی بر سر مردم جهان میکستراند. قبلاً، صدها یار و صدها نمونه از عدالت و آزادی مورد بحث را در کودتاهای نظامی، در راه انداختن سازمانهای مخوف امنیتی، در ترورها و ناپدید شدنهای مبارزین کارگر توسط سازمان سیا، در راه انداختن مدارس اسلامی تولید طالبان در کوئته پاکستان شاهد بوده ایم. (به خاطر بیاورید برژینسکی آستین بالا زده و چهره برافروخته را وقتی که خطاب به طلاب آروز و طالبان امروز با لحن و قیافه تمام عیار یک آخوند نماز جمعه ای فریاد میکشید: "این مساجد را از دست کمونیستها بیرون بیاورید"). بعد از ۱۱ سپتامبر هم، از لایالی گزارشهای شدت سانسور شده سی ان ان و بی بی سی میتوان صحنه های

دلخراش این عدالت و آزادی دروغین را براحتی مشاهده کرد: صدها تن بمبی که هرروز بر مردم اسلام زده و طالبان زده و گرسنه و بیخانمان فرو میریزد؛ باران "بمبهای باهوش" که نمیتوانند تانکهای اسقاط طالبان و کودکان آواره و انبار گندم صلیب سرخ را از هم تشخیص دهند؛ باران بسته های زرد مواد غذایی و هجوم کودکان گرسنه به زمینهای مین گذاری شده و لت و پار شدنشان. انصافاً باید گفت که تعدادی از این کودکان میتوانند به یمن پاکتهای زرد "میلیتاریسم انساندوست" شبی را با شکم سیر بر سنگی در ویرانه ای بگذرانند. مقامات پنتاگون با وقاحت کم نظیری، این نزول بمب و پاکتهای زرد را با عبارات کمپین "بمب و نان!" و "غذا و جنگ!" نامگذاری کرده اند. این چهره شناخته شده نظم نوین در دهسال گذشته بوده است. پریروز در سرزمین قبیله زده کردستان عراق، دیروز در سرزمین قوم زده کوسوا، امروز در سرزمین اسلام زده افغانستان. جهان زیر سایه نظم نوین جهانی، سرشار از طنزهای تلخ بوده است. در چنین جهانی،

ارتجاع اسلامی میتواند "مترقی" شود. جمهوری اسلامی میتواند "مدنی" شود. حکومت اسلامی میتواند "قربانی تروریسم" اعلام شود، همت عالی نویسندگان آخوند زده ایرانی میتواند عکس اکبر گنجی را در "صندلی خالی" انجمن قلم کانادا قرار دهد، ملاعمر و بن لادن میتوانند "جنگندگان آزادی" شوند، طالبان میتواند "میانه رو" شود. جرج بوش میتواند قهرمان شود، و .. در چنین صورتی چرا میلیتاریسم نتواند "انساندوست" شود؟

درست چند روز بعد از ۱۱ سپتامبر، یکی از نظامیان بازمانده از جنگ ویتنام، پرچمی را در مرکز پرجمعیت شهر دیترویت بلند کرد که روی آن این عبارات با حروف بزرگ نوشته شده بود: "همه آنها را یکجا بکشید. خداوند خودش بعدا بی گناه و گناهکار را از هم جدا خواهد کرد." این یک رهنمود به میلناریسم دولت آمریکا برای کشتار بی تبعیض مردم افغانستان بود. مردم معمولی کوچه و بازار دیترویت اجازه ندادند این پرچم حتی یکساعت در اهتزاز باشد. طرف مجبور شد دمش را روی کولش بگذارد و از معرکه در

برود. این جا دو نیرو به نحوی سمبلیک در مقابل هم قرار گرفتند. میلیتاریسمی مرتجع و آدمکش، ناسیونالیسمی قداره بند، فلسفه وجودی دولت آمریکا و پنتاگون و سیا و اف بی آی از یکطرف، و احساس انسانی مردمی شریف و انساندوست از طرف دیگر. خانم لاری اندرسون، هنرمند آمریکایی، درست میگوید که "اینکه مردم آمریکا پرچم آمریکا را از پنجره هایشان می آویزند هیچ ربطی به پرچم گردانی معمولی ناسیونالیستی ندارد. این بیشتر به خاطر بزرگداشت انسانهایی است که مرده اند." به نظرم این تصویر واقعی است. سران میلناریسم آمریکا و اروپا در ساده لوحی مفرطی بسر میبرند اگر تصور میکنند با تزویر و نادرتی، با دامن زدن به هیجانهای ناسیونالیستی، کوتاهترین راه نیل به پیروزی را پیدا کرده اند. در مقابل جرج بوش و تونی بلر و کالین پاول و ژنرال میایر و عمامه بسرهای اسلام سیاسی، مردمی شریف وجود دارند که جهان را طور دیگری میخواهند.

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی ...

شاهرودی و نقش خود سخن گفت. تاکید او این بود: حرف آخر را رهبر میزند! این با ژست معمول رهبر که دیگران باید از "فضل الخطاب بودن" او سخن بگویند و او بالاتر از تذکر جایگاه و مقام خویش قرار بگیرد، منافات داشت. مضحکتر آنکه او دو جمله قبل تر موعظه کرده بود که سران رژیم نباید اختلافاتشان را بطور علنی که در جلسات درونی حل و فصل کنند! معنی این تناقض گویی و آن به رخ کشیدن "جایگاه رهبر در قانون اساسی" این بود که او داشت اعتراف میکرد که کسی به "رهبر" گوش نمی دهد. او حتی ناگزیر به تهدید شد: اگر "مقامات اجرایی"، نمایندگان مجلس" و "مسئولین قضایی" به سیاست های خمینی و قانون اساسی (بخوانید همان "سیاست های رهبری") گردن نگذارند، شغل شان "شرعاً حرام" است. یعنی برکنار میشوند! در حالیکه معلوم نیست، برای مثال، سیاست خارجی

اینها توجیه نیستند. مشکل اینست که اینها هیچکدام راه نجاتی برای جمهوری اسلامی نیست. اوضاع بعد از ۱۱ سپتامبر "بحران آخر" جمهوری اسلامی را تشدید کرده و این رژیم را در مقابل یک تصمیم گیری تاریخی بر سر بود و نبود خود قرار داده است. جمهوری اسلامی یا از "رهبر دنیای اسلام" کوتاه می آید و در کنار آمریکا و "جنگ با تروریسم" آن قرار میگردد، و یا همچنان بر طبل اسلام سیاسی و "مرگ بر شیطان بزرگ" میکوبد. اما هر کدام از این "یا" ها برای جمهوری اسلامی بشدت مخاطره آمیز است. حالت اول، یعنی قرار گرفتن در کنار آمریکا، بمعنی یک تجدید نظر اساسی در هویت و موجودیت سیاسی جمهوری اسلامی، چه در رابطه اش با مردم و چه در وجه سیاست خارجی خواهد بود. تجدید نظری که در اوضاع بحرانی فعلی و اعتراضات روز افزون توده ای بطور قطع از جمهوری اسلامی چیزی باقی نخواهد گذارد. حالت دوم، یعنی تداوم جمهوری اسلامی بشکل شناخته شده تکنونی اش حتی از حالت اول نیز تیره و تارتر است.

بعداز ۱۱ سپتامبر، غرب و آمریکا به صرافت مقابله و یا دست کم مهار و تضعیف اسلام سیاسی افتاده اند. برای غرب هنوز ترجیح اینست که نوع معتدل و رام شده جمهوری اسلامی بر سرکار باقی بماند. اما در حالیکه فضای عمومی دنیا علیه اسلام سیاسی و تروریسم آن است، حفظ پیشقراول حکومت های نوع طالبانی در ایران با معجزه هم ممکن نیست. شورشهای خیابانی هفته های اخیر بروشنی نشان میدهد که چگونه همین فضای عمومی، مردم ایران را مصمم کرده است تا از شر جمهوری اسلامی رها شوند. بعبارت دیگر در تصمیم گیری تاریخی جمهوری اسلامی شق برنده و نجات بخشی وجود ندارد. نه سیاست های "زمینی" و نزدیکی به غرب علاج بحران است و نه سیاست های "آسمانی" و سرکوب اسلامی جایی وسط زمین و آسمان آویزان است. توپ و تشرهای "رهبر" که من رهبرم و حرف آخر را میزنم، نه فقط این بن بست را منعکس میکند، بلکه نشانه آنست که شیرازه حکومتی جمهوری اسلامی در مقابل این تناقضات از هم وا میروند.

بر خلاف ارزیابی مشارکتی ها و دوم خردادی های خارج از حکومت، اوضاع بعد از ۱۱ سپتامبر، فرصتی برای جمهوری اسلامی فراهم نکرده است. بر عکس تناقضات بنیادی جمهوری اسلامی را حادث کرده است. در واقع فرصتی برای مردم ایران نمیتواند با گسترش اعتراضات خود علیه جمهوری اسلامی مرعوب، آشفته و سردرگم، آسانتر این شر را از سرخود کم کنند. مردم ایران میتوانند با به زیر کشیدن رژیم اسلامی و برقراری حاکمیت سکولار، آزادیخواه و برابری طلب خود، نقش تاریخی در قبال تحولات جاری منطقه و بین المللی ایفاء کنند. آنها نه فقط خود را از جهنم ۲۳ ساله اسلام رها میکنند، بلکه الگوی نوینی از زندگی را به مردم کشورهای اسلام زده در جهان عرضه خواهند کرد. آنها میتوانند در این دنیای تیره بعد از ۱۱ سپتامبر مشعلی در راه بشریت نگران بر افروزند. چپ و آزادیخواهی جامعه ایران و در پیشاپیش آن کمونیسم کارگری آن نیروئی است که این فرصت را به سرانجام رساند! ■

تلاش عبث تونی بلر برای گندزدائی اسلام

اسعد گوشا

که برای مردم ایران در آخر دهه هفتاد پختید نجشیده اید. (حتما با خبرید که مردم در ایران در حال دفع این آش ملال آور به ساحت مبارک ملکه و کابینه جنابعالی و بی بی سی بخش فارسی میباشند).

آقای بلر برای سلامت فیزیکی خود و خاندان سلطنتی امپراتوری کبیر بریتانیا هم که شده، بگذارید اسلام سیاسی با وارثین به حق آن در افغانستان دفن شود. مابقی مدافعیان اسلام راستین در ایران را نیز به جوانان ضد اسلام ما بسپارید، تا آنان را مجددا مومیائی نمایند و به موزه عصر حجر برگردانند. تا شاید بشریت با فراغ بال بیشتری به رفع مصائب کلاسیک ناشی از تسلط سرمایه بر هستی اش بیاندیشد و زندگی شایسته بشر قرن بیست و یکم را فراغ از استثمار و مذهب و مملو از برابری و انسانیت سازمان دهد.

و ... با تمام وجود در اجرای فرامین آن کوشش میکنند. البته سهم طالبانهای خجولی چون خاتمی و شرکا نیز محفوظ است. اگر طالبان دستشان به وکلای مایکروسافت میرسید حتما شما را برای سواستفاده از کپی رایت قرآن به دادگاه میکشانند و به استناد همان آیه های شریفه (سیاه روی سفید)، شما را محکوم کرده و از شما در لندن غرامت و در قندهار جان میگرفتند. تازه شانس آورده اید که آیت الله خمینی برحمت ایزدی پیوسته و الی کپی حکم سلمان رشدی برای شما رقیق کنندگان دین مبین اسلام نیز صادر میشود. آقای بلر اگر فکر میکنید با فتوهای شما تعدادی از صفوف طالبان (چه در افغانستان و چه در ایران) به شما میپیوندند و یا مانع از سربازگیری مشرین اسلام راستین در گنجهای اسلام زده انگلیس میشوید، هنوز از آش زهرآگینی

ببینید آقای بلر، یک با م و دو هوا نمیشود. اگر کسی میخواهد اسلام را بریاید و بشکل ویروسی ضعیف شده به عنوان واکسن ضد کمونیسیم به پاره ای از جوامع بشری تزریق کند، این شما و شرکایتان هستید. انصاف هم چیز خوبیست. حتی اگر کیلویی هم مقایسه کنیم تعداد صفحات قرآن که روایت غرب را از اسلام تأیید میکند گاهی است در برابر کوهی از آیه های شریفه که روایت طالبان را تصدیق میکند. کلاهداری و اختلاس در روز روشن عاقبت خوشی ندارد آقای بلر. این حکومت طالبان و بن لادن است که به حق وارث ۹۹ درصد از آیه های قرآن است و پایپای رقبای شیعی خویش، آقایان خامنه ای، مصباح، شاهرودی

آب و آتش زدن تا لاشه نیمه جان اسلام سیاسی را از زیر آوار خشم بشریت مترقی بدر آورند. این بخت برگشته ها با ذره بین بدنبال ملائی میگردند که روایت آقایان از اسلام را در بوق کند. لیکن بجز تعداد اندکی مفتی خرده پا و خاتمی شارلاتان کسی به ندای حجت الاسلام بلر لبیک نگفت. ولی در عوض ژورنالیست طلبه های غربی با مشاهده یک جمله باب طبع از قرآن، فتوا دادند که بن لادن، اسلام، این دین صلح و صفا را روی هوا ربوده است. بنابراین، وظیفه انصار غربی اسلام همانا پس گرفتن دین مبین از طالبان و بن لادن و آویزان کردن آن بگردن مسلمانانی چون مشرف و مبارک و برادر فکولی خاتمی است.

در پس خیط شدن وضع اسلام نزد بشریتی بهت زده از قدرت تخریب بمبهای اسلامی، از مهاجرین مسلمان در مدائن اروپائی تا انصار دولتمردشان در دیار کفار، فریاد آید، آید که عده ای کج اندیش دین مبین و رثوف اسلام را ربوده اند و به ساختمانهای دوقلو کوبیده اند.

در راس این "کفار" اسلام پناه، تونی بلر و شرکا که بیشترین اوراق قرضه اسلامی را در کشوی میزشان دارند، متعاقب جنایت اسلامی ۱۱ سپتامبر، سراسیمه خود را به

سازمان ملل فرستاده اند و از خواستههای کمپین فدراسیون حمایت کرده اند. کسانی حتی درخواست اسپانسر کردن پناهجویان افغانی را از ما کرده اند. این نامه های اعتراضی هر روز افزایش پیدا می کنند و تعداد بی سابقه ای با ما در این مورد تماس می گیرند. فدراسیون "جمعیت مستقل زنان افغانستان" (راوا) را از پاکستان به کنفرانس سراسری فدراسیون دعوت کرده است (که آنها هم دعوت ما را قبول کرده اند) تا از این راه هم بتواند وضعیت پناهجویان افغانی را مطرح کند. فدراسیون با حمایت کامل حزب کمونیست کارگری ایران از هر ابزاری استفاده خواهد کرد تا وضعیت را به نفع پناهندگان و آوارگان افغانی تغییر دهد. این کار شدنی است.

استراحت و خواب است. هدف کمپین این است که اعتراض به این فاجعه را سازمان دهد و سازمان ملل و دولتها را تحت فشار همه جانبه مردم و سازمانهای مترقی و انسان دوست قرار دهد تا خواستههای انسانی ما پاسخ بگیرند. از نظر ما، بستن مرزها به روی مردم فراری جنایت است. مردم جهان این شرایط را تحمل نخواهند کرد.

هفتگی: تاکنون چه کارهایی انجام گرفته و چه اقداماتی برای آینده در دستور کار است؟
موریم نمازی: در همین مدت کوتاهی که فدراسیون کمپین خود را شروع کرده است، تعداد زیادی از مردم و سازمانها از کشورهای مختلف از آمریکا و استرالیا تا هند و آفریقا گرفته نامه های اعتراضی به دولتها و

از صفحه ۱

بستن مرزها ...

شدن یک جوان ۲۳ ساله و مجروح شدن یک پسر ۱۳ ساله بوده است. دولت ایران نیز هنوز بشیرمانه هزاران نفر را به افغانستان دیپورت می کند. در این شرایط، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی خود را موظف می داند که از گسترش این فاجعه انسانی جلوگیری کند و از حق و حقوق بی قید و شرط پناهجویان و آوارگان افغانی دفاع کند. در این راستا، کمپین فدراسیون خواهان متوقف شدن فوری بمباران افغانستان بوسیله آمریکا و ناتو، باز شدن مرزهای کشورهای همجوار از جمله ایران و پاکستان به روی مردم و در سطح بین المللی برسمیت شناخته شدن حق پناهندگی آنان، متوقف شدن اخراج مردم، به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی پناهجویان، و بهبود جدی در اردوگاهها از نظر امنیت، بهداشت، تغذیه و امکانات

نهمین کنفرانس سراسری

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

"اوضاع پناهندگی پس از ۱۱ سپتامبر"

با حضور شخصیتهای سرشناس حقوق مدنی و پناهندگی شامل: عفو بین الملل، "آسیل"، "هیچکس غیر قانونی نیست"، جنبش سراسری حقوق مدنی و غیره و نمایندگان کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل و دولتی

جمعه ۱۶ تا یکشنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۰۱

وشتافولکت هوس، وشتا توری پلان ۵

وشتا، استگهلم، سوئد

ورود برای عموم آزاد است

Tel: +46 73 980 2311

ifir9conference@yahoo.co.uk

www.hambastegi.org

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England